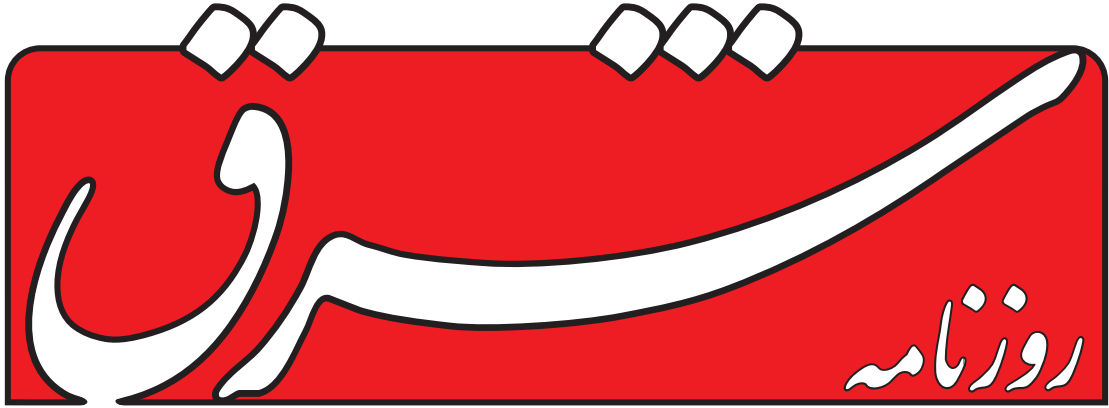




کیومرث اشتریان

یکشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۵
۲۷ محرم ۱۴۴۸
۱۲ جولای ۲۰۲۶
سال بیست و دوم
شماره ۵۴۲۴
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



حضرت آیت الله سیدمحمدتقی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت تشییع و تدفین «آقای شهید ایران»:

عهد می‌بندیم که انتقام خون پاک شما را از قاتلین جنایتکار و بی‌آبرو بگیریم



در «شرق» امروز می‌خوانید: تیم ملی ژاپن و رؤیای قهرمانی جهان؛ معجزه گانبارو/ سحر طلوعی • جان باختن ۷۸۶ نفر در تصادفات تهران

بررسی نیم قرن هزینه شوک نفتی بر زندگی کارگران و معیشت تهیدستان

توزیع نابرابر آثار جنگ

گزارش تینبریک را در صفحه ۳ بخوانید



نگاهی به حواشی یک وداع تاریخی که به محلی برای تسویه حساب اقلیت‌های تندرو با مسئولان و تیم مذاکره کننده تبدیل شد

تندروها در رؤیای قد کشیدن

یکی از بزرگ‌ترین خلاهای نظام سیاست‌گذاری در ایران این است که بیش از آنکه به «چگونگی اجرای سیاست‌ها» فکر کنیم، به «طراحی سیاست‌ها» یا حتی آرمان‌پردازی درباره آنها می‌پردازیم. گویی تصور می‌کنیم اگر سیاست خوبی نوشته شود، خودبه‌خود نیز به نتیجه خواهد رسید. اما تجربه نشان می‌دهد فاصله میان یک ایده خوب و یک نتیجه موفق، همان چیزی است که «اجرای سیاست» نام دارد.

در شرایطی که کشور با فشارهای اقتصادی، تحریم، کمبود منابع و آثار جنگ روبه‌رو است، دیگر نمی‌توان اجازه داد منابع محدود با روش‌های نادرست اجرا هدر بروند. امروز شاید بیش از هر زمان دیگری لازم باشد مدیران اجرایی، همان اندازه که برای طراحی سیاست وقت می‌گذارند، برای مطالعه شیوه اجرای آن نیز زمان صرف کنند. دو مثال می‌آورم:

یکم. در حوزه امنیت ملی: بستن تنگه هرمز را می‌توان به‌منزله یک سیاست امنیتی تلقی کرد. این سیاست در اجرا نیازمند یک سیاستی در داخل و خارج است؛ همچنان که باید در خارج به دیپلماسی پرداخت، در داخل نیز ملاحظات اجرایی فراوان دارد. مثلا بار اجرائی این سیاست را اگر بر عهده یک گروه کوچک بگذارید که در پی کلیم قدرت و موقعیت داخلی خویش است، آن را از حالت ملی درمی‌آورید و به یک ابزار جناحی تقلیل می‌یابید.

سیاست استیلای ایران بر تنگه هرمز منحصر به یک گروه خاص نیست که علم آن را به انحصار خود درآورند؛ چه بسیار ایرانیان که این سیاست را از منظر ژئواستراتژیک تحلیل می‌کنند و کاملا با آن موافق هستند. اینکه این بار سنگین اجرایی را عده‌ای برای خود بردارند تا فرداروزی نم‌قدرت برای کلاه خود بسازند، این سیاست را به یک جناح تقلیل می‌دهند و آن را از قامت یک سیاست ملی درمی‌آورند. این فقط یک مثال کوچک از «اجرای» سیاست امنیتی است.

دوم. برای روشن شدن موضوع به یک نمونه دیگر توجه کنیم؛ در اطلاعیه‌ای که از سوی سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر منتشر شده، اعلام شده است همه متقاضیان حقیقی و حقوقی می‌توانند برای احداث نیروگاه خورشیدی ۵۰ تا هزار کیلوواتی تسهیلات دریافت کنند.

در نگاه اول، این سیاست جذاب به نظر می‌رسد؛ اما اگر از زاویه «اجرا» به آن نگاه کنیم، پرسش‌های مهمی مطرح می‌شود.

برای احداث نیروگاه خورشیدی ۵۰ کیلوواتی هزاران فرد حقیقی با سرمایه‌ای در حدود پنج میلیارد تومان وارد این بازار می‌شوند؛ هر یک باید با نوسانات قیمت تجهیزات، تغییر نرخ ارز، مشکلات تأمین مالی، ریسک‌های بازار برق و پیچیدگی‌های فنی دست‌وپنجه نرم کنند. اگر بخشی از این سرمایه‌گذاران با مشکل روبه‌رو شوند، فشار اجتماعی برای حمایت دولت آغاز می‌شود؛ دولت ناچار می‌شود قراردادهای خرید تضمینی را اصلاح کند، امتیازهای تازه بدهد یا زیان سرمایه‌گذاران را جبران کند. در نتیجه، سیاستی که قرار بود بار دولت را کاهش دهد، خود به منبعی برای تعهدات مالی جدید تبدیل می‌شود. ممکن است درباره همین مثال استدلال‌های مخالفی نیز وجود داشته باشد و شاید مسئولان دلایل قابل دفاعی برای انتخاب این شیوه داشته باشند. مقصود این نوشته نقد یک سیاست خاص نیست؛ بلکه یادآوری یک نکته اساسی است: پیش از اجرای هر سیاست، باید درباره «روش اجرای آن» مطالعه کرد.

مشکل اینجااست که ما معمولاً قبل از اجرای سیاست، درباره این پیامدها مطالعه نمی‌کنیم. این شیوه را «حکمرانی توده‌ای» می‌نامیم؛ یعنی حالتی که دولت، به جای آنکه ظرفیت‌های تولید را در قالب چند سازمان یا بنگاه توانمند سامان دهد، مستقیماً هزاران واحد کوچک را مخاطب سیاست قرار می‌دهد. در چنین الگویی، دولت باید با تعداد بسیار زیادی بازیگر کوچک ارتباط برقرار کند، بر عملکرد آنها نظارت کند، مشکلاتشان را حل کند و در نهایت نیز پاسخ‌گویی شکست‌های احتمالی باشد.

اما آیا راه دیگری وجود ندارد؟

چرا دولت به جای هزاران سرمایه‌گذار پراکنده، چند شرکت بزرگ و توانمند را مخاطب سیاست قرار ندهد؟ این شرکت‌ها می‌توانند خود با واحدهای کوچک قرارداد ببندند. از ظرفیت آنها استفاده کنند و بخشی از تولید را به آنها واگذار کنند. در این صورت، واحدهای کوچک حذف نمی‌شوند؛ بلکه در قالب یک شبکه تولیدی فعالیت می‌کنند.

دوره جدید ریاست قوه قضا در افق عدالت ترمیمی

یادداشت



صالح نقره‌کار

وکیل دادگستری

۱. آغاز دوره جدید ریاست قوه قضائیه، فرصتی مغتنم برای بازاندیشی در سیاست کفیری جمهوری اسلامی ایران است. این بازاندیشی نه به معنای کاهش اقتدار قانون یا اغماض در برابر جرائم علیه امنیت کشور، بلکه ناظر بر به‌روزرسانی دیدگاه‌ها، ارتقای کیفیت عدالت، افزایش سرمایه اجتماعی و تحکیم همبستگی ملی است. سیاست کفیری کارآمد در شرایط امروز ایران، سیاستی است که میان تأمین امنیت، صیانت از حقوق شهروندی و ترمیم شکاف‌های اجتماعی تعادل برقرار کند. ایران متحد فردا، قوه قضائیه همبستگی افزا و نه گسسته‌گر را طالب است. نکته‌ای که جنگ‌های اخیر چشم ما را به آن بیشتر از پیش کشود.

۲. آزادی‌های شهروندان و رسانه‌ها بخشی از سبب امنیت شهروندی است. خوانش امنیت پایه صرف از حقوق مردم نباید به تنزل شاخص‌های آزادی منتهی شود. این الگو در سیاست کفیری کلان قضائی باید تجلی عیان یابد. حکم انتصاب رئیس جدید قوه قضائیه از سوی مقام معظم رهبری، مانند احکام پیشین رهبری شهید، بر تحقق عدالت، احیای حقوق عامه، گسترش عدالت، جلب رضایت مردم، تکريم مراجعان، اجرای دقیق قانون و تحول در دستگاه قضائی تأکید دارد. همچنین «سند تحول و تعالی قوه قضائیه» نیز بر مردم‌محوری، کاهش جمعیت کفیری، استفاده از نهادهای ارفاقی، توسعه سازوکارهای صلح و سازش، اصلاح فرایندهای دادرسی و ارتقای اعتماد عمومی استوار است.

۳. ایسن جهت‌گیری‌ها زمینه مناسبی برای تقویت عدالت ترمیمی در صورتی که در این میان نمی‌توان همه کسانی را که در اعتراضات حضور یافته‌اند، در یک قالب حقوقی و اخلاقی واحد تحلیل کرد. بی‌تردید میان کسانی که آگاهانه و سازمان‌یافته در خدمت پروژه‌های دشمنان ایران قرار گرفته‌اند، با شهروندانی که از سر نارضايتی، فشار اقتصادی، احساس تبعیض یا تأثیرپذیری از عملیات رسانه‌ای مرتکب رفتارهای مجرمانه شده‌اند، تفاوتی اساسی وجود دارد. هم‌پوشانی برخی رفتارها با اهداف دشمن، الزاما به معنای اشتراک در انگیزه و قصد نیست و عدالت اقتضا می‌کند که این تفاوت‌ها در سیاست کفیری و در فرایند دادرسی مورد توجه قرار گیرد.

۴. بنده وکالت و مشورت صدها پرونده امنیتی در سال‌های اخیر را داشته‌ام و ادراکم این است که در قاطبه این موارد فرد متهم، معاند ایران نیست اما علت‌های ناروایی او را «معارض قانون» کرده، نه اینکه ذاتاً مجرم بالقوه امنیت‌ستیز باشد. ایران امروز تجربه سال‌هایی را پشت سر گذاشته که در آن جنگ اقتصادی، جنگ شناختی، فشارهای معیشتی و شکاف‌های اجتماعی،

۵. در چنین شرایطی، عدالت ترمیمی می‌تواند مکمل مناسبی برای عدالت کفیری کلاسیک باشد. عدالت ترمیمی بر بازسازی روابط اجتماعی، جبران خسارت، پذیرش مسئولیت، اصلاح رفتار و بازگرداندن بزهکار به جامعه تأکید دارد. این رویکرد، با آموزه‌های اسلامی درباره عفو، توبه، اصلاح ذات‌البین، رافت اسلامی و ترجیح اصلاح بر انتقام نیز سازگاری درخور توجهی دارد و از این نظر، امری وارداتی یا بیگانه با نظام حقوقی ایران محسوب نمی‌شود.

۶. بر اساس این انتظار می‌رود در دوره جدید، استفاده از مجازات‌های جایگزین جیس که قانون مجازات اسلامی نیز ظرفیت‌های درخور توجهی برای آن پیش‌بینی کرده است، بیش از گذشته توسعه یابد.

۷. افزایش هزینه نیروی انسانی و تلاش بانک‌ها در مسیر اعطای تسهیلات به کارکنان‌شان که شرایط تبعیض آمیزی را در مقایسه با دیگر بنگاه‌های اقتصادی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر بار سنگین هزینه ناشی از تسهیلات معوق تحمیلی به بانک‌ها، این بنگاه‌ها را در موقعیتی قرار داده که برای پوشش هزینه‌های جاری خود ناگزیر از گران‌فروشی شوند. تلاش شبکه بانکی برای دریافت وجه از مشتریان بابت ارائه کوچک‌ترین خدمات معمول، در سطح اعلام موجودی یا انتقال وجوه خرد نمونه‌ای از این گران‌فروشی سازمان‌یافته است.

۸. در سال‌های گذشته که شیرینی تجارت در پوشش برخی فرصت‌طلبان را جلب کرده بود، مجموعه‌ای از مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز در گوشه و کنار کشور شکل گرفت. بنیان‌گذاران این بنگاه‌ها تلاش می‌کردند با استفاده از لابی قدرتمند خود، مسئولان بانک مرکزی را وادار به صدور مجوز کنند. در یک مورد حتی گفته شد مدیرعامل یکی از مؤسسات با اسلحه کمری به دیدار رئیس کل بانک مرکزی می‌رفته تا او را برساند! در واقع بانک مرکزی به‌عنوان نهاد رسمی و قانونی موظف به نظارت و مدیریت شبکه بانکی کشور، اقتدار لازم را برای جلوگیری از بی‌بناهایی نداشت. در نهایت هم دولت ناگزیر شد خسارت ناشی از فعالیت دلیرانه این بنگاه‌های غیرمجاز را که سپرده‌های مردم را حیث‌ومیل کرده بودند، با دست‌کردن در جیب ملت تأمین کند.

۹. در این صورت، واحدهای کوچک حذف نمی‌شوند؛ بلکه در قالب یک شبکه تولیدی فعالیت می‌کنند.

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از پیچیده‌تر شدن فضای مذاکرات در پی معادلات تنگه هرمز

تنگنای تنگه

بیگیری «شرق» از پرونده ضرب و شتم محیط بانان پارک ملی کرخه و آزادی زودهنگام ضاربان

شکارچی اصلی فراری است

جرخش استراتژیک و واشینگتن و اعطای مجوز تولید موشک باتریوت در اوکراین

دستاوردهای علمی

در حاشیه داستان «بهار آبی کاتماندو» از شهرنوش پارسی‌پور

وحشت‌زدگان ستم جنسیتی

جام ۲۰۲۶

وقتی حذف و مساوی پایان کار است نه آغاز دستاوردسازی

دادگاه بی‌رحم نيمکت‌ها

یادداشت

پایان اختلاف کجاست؟

تأملی درباره نهاد، رقابت سیاسی و مسئله منافع ملی در ایران



افشین حبیب‌زاده

سیاست با اختلاف آغاز می‌شود، اما با اختلاف ادامه پیدا نمی‌کند. اگر قرار باشد هر اختلافی تا بی‌نهایت امتداد یابد، دیگر سیاست به معنای کلاسیک آن وجود نخواهد داشت؛ آنچه باقی می‌ماند، جامعه‌ای است که به جای حل مسئله، مدام خود مسئله را بازتولید می‌کند. از این‌رو یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه سیاسی نه میزان توافق در یک جامعه، بلکه توانایی آن در پایبند داشتن به اختلافات است. در ماه‌های اخیر، بار دیگر مشاهده شد که تصمیم‌های مهم در حوزه سیاست خارجی، صرف‌نظر از موافقت یا مخالفت با محتوای آنها، چگونه به زمینه‌های برای تشدید شکاف‌های سیاسی تبدیل می‌شوند. این پدیده البته منحصر به یک موضوع یا یک دولت نیست. در چهار دهه گذشته، تقریباً هر تصمیم مهمی، از سیاست خارجی تا اقتصاد، از اصلاحات ساختاری تا مسائل فرهنگی، به جای آنکه پس از طی‌شدن مسیرهای رسمی وارد مرحله اجرا شود، خود به آغاز دور تازه‌ای از منازعه تبدیل شده است. این وضعیت پریشانی‌بخش را پیش‌بینی می‌کند؛ چرا در ایران اختلافات سیاسی پایان نمی‌یابند؟ پاسخ متعارف آن است که جامعه ایران، جامعه‌ای متکثر است. گروه‌های مختلف منافع متفاوت دارند و طبیعی است که اختلاف وجود داشته باشد. این پاسخ درست است، اما کافی نیست.

در علوم سیاسی میان اختلاف بر سر سیاست‌ها و اختلاف بر سر قواعد سیاست تفاوتی اساسی وجود دارد. در یک جامعه نهادینه، رقابت بر سر سیاست‌ها جریان دارد، اما قواعد تصمیم‌گیری مورد پذیرش همگان است.

۱. در این صورت، واحدهای کوچک حذف نمی‌شوند؛ بلکه در قالب یک شبکه تولیدی فعالیت می‌کنند.

۲. در این صورت، واحدهای کوچک حذف نمی‌شوند؛ بلکه در قالب یک شبکه تولیدی فعالیت می‌کنند.

یادداشت

ضرورت بازنگری در مدیریت نظام بانکی



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

به تشدید جریان تورمی منجر شده است. در واقع این شیوه نایجای تخصیص منابع مالی یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در افزایش نرخ تورم بوده است. از سوی دیگر، افزایش سهم مطالبات معوق که نتیجه بدیهی دادن تسهیلات رانتی است، بانک‌ها را در معرض زیان‌دهی و ورشکستگی قرار داده است.

۴. خدماتی که بانک‌ها ارائه می‌دهند، اعم از گردآوری پس‌اندازهای خرد، دادن وام به مشتریان، نقل و انتقال پول و... در طول زمان و به‌طور مستمر پرهزینه‌تر و گران‌تر شده است؛ درحالی‌که انتظار می‌رفت با به‌کارگیری فناوری‌های نوین، قیمت تمام‌شده این خدمات کاهش یابد. به بیان دقیق‌تر، بانک‌ها روزبه‌روز به سمت گران‌آدا ره‌شدن پیش رفته‌اند. از یک سو افزایش هزینه نیروی انسانی و تلاش بانک‌ها در مسیر اعطای تسهیلات به کارکنان‌شان که شرایط تبعیض آمیزی را در مقایسه با دیگر بنگاه‌های اقتصادی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر بار سنگین هزینه ناشی از تسهیلات معوق تحمیلی به بانک‌ها، این بنگاه‌ها را در موقعیتی قرار داده که برای پوشش هزینه‌های جاری خود ناگزیر از گران‌فروشی شوند. تلاش شبکه بانکی برای دریافت وجه از مشتریان بابت ارائه کوچک‌ترین خدمات معمول، در سطح اعلام موجودی یا انتقال وجوه خرد نمونه‌ای از این گران‌فروشی سازمان‌یافته است.

۵. در سال‌های گذشته که شیرینی تجارت در پوشش برخی فرصت‌طلبان را جلب کرده بود، مجموعه‌ای از مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز در گوشه و کنار کشور شکل گرفت. بنیان‌گذاران این بنگاه‌ها تلاش می‌کردند با استفاده از لابی قدرتمند خود، مسئولان بانک مرکزی را وادار به صدور مجوز کنند. در یک مورد حتی گفته شد مدیرعامل یکی از مؤسسات با اسلحه کمری به دیدار رئیس کل بانک مرکزی می‌رفته تا او را برساند! در واقع بانک مرکزی به‌عنوان نهاد رسمی و قانونی موظف به نظارت و مدیریت شبکه بانکی کشور، اقتدار لازم را برای جلوگیری از بی‌بناهایی نداشت. در نهایت هم دولت ناگزیر شد خسارت ناشی از فعالیت دلیرانه این بنگاه‌های غیرمجاز را که سپرده‌های مردم را حیث‌ومیل کرده بودند، با دست‌کردن در جیب ملت تأمین کند.

۶. در این صورت، واحدهای کوچک حذف نمی‌شوند؛ بلکه در قالب یک شبکه تولیدی فعالیت می‌کنند.

۱. آغاز دوره جدید ریاست قوه قضائیه، فرصتی مغتنم برای بازاندیشی در سیاست کفیری جمهوری اسلامی ایران است. این بازاندیشی نه به معنای کاهش اقتدار قانون یا اغماض در برابر جرائم علیه امنیت کشور، بلکه ناظر بر به‌روزرسانی دیدگاه‌ها، ارتقای کیفیت عدالت، افزایش سرمایه اجتماعی و تحکیم همبستگی ملی است. سیاست کفیری کارآمد در شرایط امروز ایران، سیاستی است که میان تأمین امنیت، صیانت از حقوق شهروندی و ترمیم شکاف‌های اجتماعی تعادل برقرار کند. ایران متحد فردا، قوه قضائیه همبستگی افزا و نه گسسته‌گر را طالب است. نکته‌ای که جنگ‌های اخیر چشم ما را به آن بیشتر از پیش کشود.

۲. آزادی‌های شهروندان و رسانه‌ها بخشی از سبب امنیت شهروندی است. خوانش امنیت پایه صرف از حقوق مردم نباید به تنزل شاخص‌های آزادی منتهی شود. این الگو در سیاست کفیری کلان قضائی باید تجلی عیان یابد. حکم انتصاب رئیس جدید قوه قضائیه از سوی مقام معظم رهبری، مانند احکام پیشین رهبری شهید، بر تحقق عدالت، احیای حقوق عامه، گسترش عدالت، جلب رضایت مردم، تکريم مراجعان، اجرای دقیق قانون و تحول در دستگاه قضائی تأکید دارد. همچنین «سند تحول و تعالی قوه قضائیه» نیز بر مردم‌محوری، کاهش جمعیت کفیری، استفاده از نهادهای ارفاقی، توسعه سازوکارهای صلح و سازش، اصلاح فرایندهای دادرسی و ارتقای اعتماد عمومی استوار است.

۳. ایسن جهت‌گیری‌ها زمینه مناسبی برای تقویت عدالت ترمیمی در صورتی که در این میان نمی‌توان همه کسانی را که در اعتراضات حضور یافته‌اند، در یک قالب حقوقی و اخلاقی واحد تحلیل کرد. بی‌تردید میان کسانی که آگاهانه و سازمان‌یافته در خدمت پروژه‌های دشمنان ایران قرار گرفته‌اند، با شهروندانی که از سر نارضايتی، فشار اقتصادی، احساس تبعیض یا تأثیرپذیری از عملیات رسانه‌ای مرتکب رفتارهای مجرمانه شده‌اند، تفاوتی اساسی وجود دارد. هم‌پوشانی برخی رفتارها با اهداف دشمن، الزاما به معنای اشتراک در انگیزه و قصد نیست و عدالت اقتضا می‌کند که این تفاوت‌ها در سیاست کفیری و در فرایند دادرسی مورد توجه قرار گیرد.

۴. بنده وکالت و مشورت صدها پرونده امنیتی در سال‌های اخیر را داشته‌ام و ادراکم این است که در قاطبه این موارد فرد متهم، معاند ایران نیست اما علت‌های ناروایی او را «معارض قانون» کرده، نه اینکه ذاتاً مجرم بالقوه امنیت‌ستیز باشد. ایران امروز تجربه سال‌هایی را پشت سر گذاشته که در آن جنگ اقتصادی، جنگ شناختی، فشارهای معیشتی و شکاف‌های اجتماعی،

۵. در چنین شرایطی، عدالت ترمیمی می‌تواند مکمل مناسبی برای عدالت کفیری کلاسیک باشد. عدالت ترمیمی بر بازسازی روابط اجتماعی، جبران خسارت، پذیرش مسئولیت، اصلاح رفتار و بازگرداندن بزهکار به جامعه تأکید دارد. این رویکرد، با آموزه‌های اسلامی درباره عفو، توبه، اصلاح ذات‌البین، رافت اسلامی و ترجیح اصلاح بر انتقام نیز سازگاری درخور توجهی دارد و از این نظر، امری وارداتی یا بیگانه با نظام حقوقی ایران محسوب نمی‌شود.

۶. بر اساس این انتظار می‌رود در دوره جدید، استفاده از مجازات‌های جایگزین جیس که قانون مجازات اسلامی نیز ظرفیت‌های درخور توجهی برای آن پیش‌بینی کرده است، بیش از گذشته توسعه یابد.

۷. افزایش هزینه نیروی انسانی و تلاش بانک‌ها در مسیر اعطای تسهیلات به کارکنان‌شان که شرایط تبعیض آمیزی را در مقایسه با دیگر بنگاه‌های اقتصادی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر بار سنگین هزینه ناشی از تسهیلات معوق تحمیلی به بانک‌ها، این بنگاه‌ها را در موقعیتی قرار داده که برای پوشش هزینه‌های جاری خود ناگزیر از گران‌فروشی شوند. تلاش شبکه بانکی برای دریافت وجه از مشتریان بابت ارائه کوچک‌ترین خدمات معمول، در سطح اعلام موجودی یا انتقال وجوه خرد نمونه‌ای از این گران‌فروشی سازمان‌یافته است.

۸. در سال‌های گذشته که شیرینی تجارت در پوشش برخی فرصت‌طلبان را جلب کرده بود، مجموعه‌ای از مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز در گوشه و کنار کشور شکل گرفت. بنیان‌گذاران این بنگاه‌ها تلاش می‌کردند با استفاده از لابی قدرتمند خود، مسئولان بانک مرکزی را وادار به صدور مجوز کنند. در یک مورد حتی گفته شد مدیرعامل یکی از مؤسسات با اسلحه کمری به دیدار رئیس کل بانک مرکزی می‌رفته تا او را برساند! در واقع بانک مرکزی به‌عنوان نهاد رسمی و قانونی موظف به نظارت و مدیریت شبکه بانکی کشور، اقتدار لازم را برای جلوگیری از بی‌بناهایی نداشت. در نهایت هم دولت ناگزیر شد خسارت ناشی از فعالیت دلیرانه این بنگاه‌های غیرمجاز را که سپرده‌های مردم را حیث‌ومیل کرده بودند، با دست‌کردن در جیب ملت تأمین کند.

۹. در این صورت، واحدهای کوچک حذف نمی‌شوند؛ بلکه در قالب یک شبکه تولیدی فعالیت می‌کنند.